

سلسله مقالاتی که در رسته رفاه اجتماعی و بنیادهای موجود در این مسیر - مطالعه میفرماید - هدفی ارزشمند دارد که خوانندگان عزیز را بباد باری همصوغ و کمک بانسانهای نیازمند تشویق نماید - باشد که از این طریق سیم خود گامی و قدمی در این راه نیکو کارانه برداشته و دینی در قبال جامعه و انسانها اداگشته باشد .

از : حسین میری

بر نامه حمایت از

خانواده های بی سرپرست

از آما موزس کوهکان و نوجوانان بی سرپرست ، آنها را آماده ورود به بازار کار می نماید

بش از صد سال است که بخت بابان ناپذیر فانون گزاران و روشنفکران و رهبران اجتماعی ما این است که آیا غریب شویم بهتر است یا به خوی و نبوه و رسم و فرهنگ سنی خود پای بند بنمانیم .

امروز کم کم پیسخ این بررس دیرین فراهم می شود . باسح این است که ضمن حفظ فرهنگ ملی خویش به عنوان پایه و اساس ، از غربیان و اصولاً از هر قومی بهترین ها را بیاموزیم ، آنجیزی را بیاموزیم که به پیسترد هر چه بیشتر این جامعه نوشته ، این جامعه سکوف ، خدمت می کند ، به سرات فرهنگ و راه حل های اساسی ما لطمه نمی رساند . در مثل ، آن جا که پای امور خیریه در میان است ، می بینیم که خودمان ، سن هزاران ساله نیکوکاری در قالب های انفاق ، صدقه ، نذر ، حبس مال ، هبه ، بخشش و غیره داریم ، ولی در واقع همه این تلاش ها ، فردی بوده و سطح و دیدگاه وسیع اجتماعی نداشته است . به عبارتی دیگر ، روح نیکوکاری و امر خیر همواره در این ملت با عاطفه می جوشیده است ، اما کار بزرگ کمکها و برآورد نبارها ، سازمان نافعند ، فاقد برنامه دراز مدت و دور رس اجتماعی و ملی بوده است .

این سنت سازمان دهندگی غربیان را ، ما ناحدودی اقتباس کرده‌ایم ، ولی هنوز باید از جارب دیگران برداشت کنیم و این کار اگر سنجیده انجام شود ، به هیچ روی بد نیست . مثلا "می‌بینم که غربیان در یافتن معمولا " مردم به صرف هزینه در راه‌های نیکوکاری بیشتر رغبت نشان می‌دهند تا به پرداخت مالیات .

غربیان ، از این روجه در جهت بهبود بیشتر وضع اجتماعی استفاده کرده‌اند و کمک‌های انخاص خبر حواد و نوانگران و سرما به داران نیکوکار را بر حسب معافیت‌های مالیاتی فرار داده‌اند . قوانین کشورهای پیشرفته‌ای چون ایالات متحد ، امریکا ، فرانسه ، انگلیس ، سوئد ، آلمان و سوئیس را مطالعه کنند ، خواهید دید که بسیاری از برنامه‌ها ، رفاهی این کشورها ، با همت و با ثروت و مکتب نیکوکارانی به موقع اجرا گذاشته شده است که با معافیت‌های مالیاتی به امر خیر تشویق و تحریض ندماند .

ما می‌توانیم مزایایی را که قوانین مالیاتی امریکا برای امور خیریه قایل شده است ، با توجه به شرایط ملی مان در قوانین مالیاتی خود منظور گردانیم و روحیه کتک به بنیادهای خیریه را از این رهگذر ، چندان گسترش دهیم که هم بار سنگین وظایف رفاهی دولت سبک شود و هم حصول نتیجه ، سریع‌تر و مؤثرتر از کار در آید .

کاری که برای نمونه ، برنامه حمایت از خانواده‌های بی سرپرست می‌کند ، یک هدف مقدس دارد و آن این است که نیاز ممدوم نیاز کند ، ضمن آن که او را آما دمور و دبه بازار کار می‌سازد و چندان به او آموزش می‌دهد که از خود نردی مافع برای اجتماع بسازد و سرانجام ، از یاد آوری گذشته عاطل و باطل خود ، احساس نا سفا کند . با توجه به اس هدف ، دولت می‌تواند با قوانین مالیاتی ریزه‌بی به سود گسترش امور خیریه و در جهت معافیت درآمدهای معظوف به امر خیر ، به باری مردم ، بسیاری از ننگ‌های اجتماعی را بکتابد و بسیاری از آسب‌های اجتماعی را بیکار برای هم‌شده ترسیم کند .

در گذشته نیز گفتیم که :

هدف برنامه حمایت از خانواده‌های بی سرپرست :

باز توان ساختن نیازمندان و بی سرپرستان است

" مونتسکیو " ، نویسنده و فیلسوف اجتماعی مشهور فرانسوی میگوید : هیچ قانونی ابدی نیست ، و هیچ قانونی ، قدرت و قابلیت اعمال در همه زمان‌ها و در همه جاها ندارد .

صحت و حقانیت این جمله، معروف، امروز با بررسی‌های دقیق جامعه‌سنجی (سوسیومتری) تأیید شده است. امروز در همه جای دنیا، قانون به راستی بدان منظور وضع می‌شود که به نیازی مبرم پاسخ گوید، و همین که آن نیاز، عمیقاً برآورده شد، آن قانون، با اصلاح می‌شود یا تغییر می‌کند. به کلام دیگر، قانون، بسته به وسعت و عمق حوائج اجتماعی ندوین و تصویب می‌شود. برای نمونه مقررات راهنمایی و رانندگی اگر صد سال پیش که هنوز اتومبیلی در کار نبود، وضع می‌شد، به هیچ کار نمی‌آمد و اگر پس از اختراع اتومبیل و رواج استفاده از آن وضع نمی‌شد، یک نیاز اجتماعی مبرم، بی‌پاسخ می‌ماند. و از رهگذر تعدد و رواج استفاده از وسائط نقلیه بلایائی بیش از آن که امروز می‌بینیم، دامنگیر جامعه می‌شد.

جامعه‌چونان و خروشان امروز، جامعه‌یی که به حد بلوغ اجتماعی رسیده است و سلاطین می‌وزد با سیردن کار مردم به مردم، همه‌گان را در سرنوشت ملی سهیم سازد، با نیازهای تازه‌یی رو در رو شده است که برنآوردن آنها بردامند؛ آسب‌های اجتماعی بی‌اعزاد. ما اکنون چندان توانایی و چندان ثروتند که می‌توانیم به بسیاری از این نیازها پاسخ دهیم برای مثال، در گذشته، چندان گرفتار امر روزمره بودیم و چندان دست به گرفتن دنیوی‌ها که در ذهن مان جایی برای اندیشیدن به امر خیریه‌یی نمی‌ماند.

امروز کشتکوفایی اقتصادی بی‌مانندی را در برابر می‌بینیم هم وقت و هم نیرو و هم همت برداختن به امر خیر را داریم بدبیهی است که سرناسر با ریح ایران، سرنار از نمونه‌های درخشان خیرخواهی و نیکوکاری است، اما همه این تلاش‌ها فردی و سازمان‌نافیه بود، امروز ما تلاش‌های نیکوکارانه سازمان‌پذیرفته، روزبروزیم، یعنی بنیادهائی داریم که بتوانیم با یاری رسانی منی به آنها، دست‌شان را برای آوردن نیازهای نیازمندان فوی کنیم. و مهم‌تر، یک فکر اجتماعی بار آورد، این بنیادها را هدایت می‌کند و آن این که هدف در این بنیادها، در رفع نیاز، خلاصه نمی‌شود بلکه هدف، گسترده‌تر، آینده‌نگر و همه‌سویه‌تر از آن است که معمولاً می‌انگاریم. هدف باز نوان ساختن نیازمندان و بی‌سرپرستان است و باری، طبع کار بنیاد نیکوکاری، گداپروزی نیست، تنبل‌پروزی نیست بلکه این است که فرد نیازمند، عمن آنکه رفع نیاز از او می‌گردد، به عنوان بازوی کار، به بازار کار روی آورد و نا به جایی پیش رود که روی پای خود بایستد و خود در خواست قطع کمک مالی کند.

می‌بسید که نگرش‌های نیکوکارانه در دنیای جدید ایرانی، ناچار اندازه‌دگرگون شده است پس با کمک به برنامه حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست یعنی خانواده‌هایی که از حرکت، نیروی مولد خارج شده‌اند. و به مصرف کنندگانی غیر مولد تبدیل گردیده‌اند یک کار دامنه دار اجتماعی کردیم و به

موازات برنامه‌های رفاه بخش دولت برنامه‌هایی با بازده اقتصادی وافر را به اجرا سپردیم و درست همین جاست که دولت باید با تنویق بخش خصوصی و نکوکاران ثروتمند، این جریان نافع را قدرت دهد و حتی مجهرسازد و مهم‌ترین کمک دولت به این جریان نکوکارانه تهیه و تصویب قوانینی در باب معافیت نسبی درآمدهای اشخاص نکوکار است که در همه جای دنیا عملی می‌شود خلاصه اینکه همانطور که در آغاز این مطلب به آن اشاره رفت: فانون، برای برآورد نیاز اجتماعی ندوسن میشود و امروز که ما در صدد سرمم عمومی آسیب‌های اجتماعی چند سده‌ای خود هستیم بدون چنین قانونی بکنیاز بزرگ ایران نوسده را برآورد می‌سازد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی